



۷	مقدمه /
۹	معرفی هویت داوران /
۱۳	طریقه استفاده از کتاب و استفاده‌های کتاب /
۱۴	ایده تا اجرا در نشانه نوشتاری نبض، بابک اربابی /
۱۶	ایده تا اجرا در نشانه نوشتاری سپیکو، محمد پارسا /
۱۸	ایده تا اجرا در نشانه نوشتاری گلستانه، حمید نخعی /
۲۰	ایده تا اجرا در نشانه نوشتاری ملودی، حسین حجتی فرید /
۲۲	ایده تا اجرا در نشانه نوشتاری فیلم، بهرام مصلح /
۲۴/۲۵	ایده تا اجرا در نشانه نوشتاری کارینا و گاه‌شمار ایزانی، بهرام عفاوی /
۲۶	لوگو تایپ‌های ایرانی به ترتیب حروف فارسی /
۱۵۰	اعداد / ط
۱۵۴	الف / ع
۱۶۲	ب / غ
۱۶۴	پ / ف
۱۷۰	ت / ق
۱۷۴	ث / ک
۱۸۸	ج / گ
۱۹۴	چ / ل
۱۹۸	ح / م
۲۱۶	خ / ن
۲۲۶	د / و
۲۳۲	ر / ه
۲۴۲	ز / ی
۲۴۵	ژ / فهرست طراحان لوگو تایپ ایرانی /
۲۵۶	س / فهرست موضوعات /
۲۵۹	ش / فهرست منابع و مراجع برای مطالعه بیشتر /
۲۶۳	ص / نمایه /
	ض /

در زمستان ۱۳۹۰، ناشر - مؤلف کتاب، با مراجعه به سایت انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران و دیدن آثار، طراحی این اثر را به من سفارش داد.

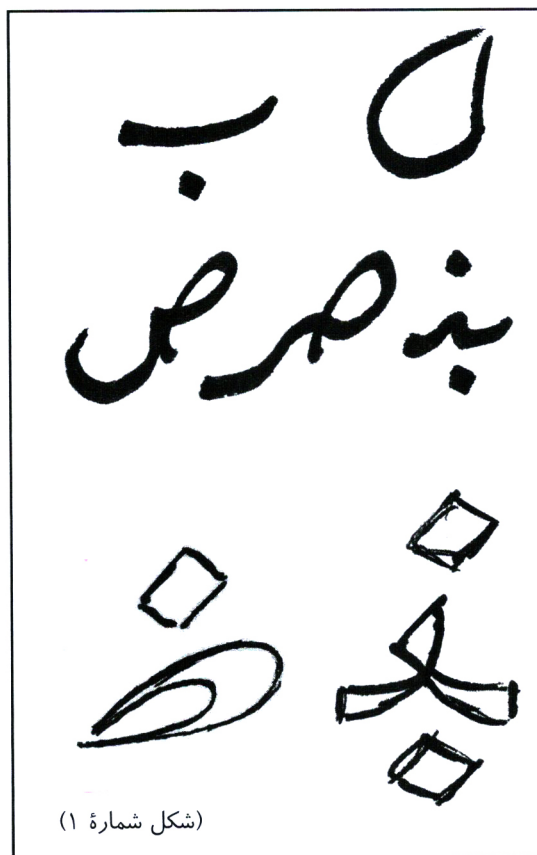
در جلسه نخست، ناشر در مورد محتوای کتاب (ترجمه کمک‌های اولیه صلیب سرخ آمریکا)، هدف از نشر این کتاب را آموزش کمک‌های اولیه در سطح خانواده‌ها عنوان کرد و از سلیقه‌های شخصی خود در طراحی جلد کتاب و مواردی که برای استفاده در طرح نمی‌پسندید، از جمله نشانه صلیب سرخ، آرم هلال احمر، علائم پزشکی و نمودارهای کاردیوگرافی و غیره را سخن به میان آورد.

ناشر با اشاره به برخی از آثارم در بخش نشانه و پوستر، به طراحی متفاوت برای جلد و تایپوگرافی خاص عنوان اثر (نبض) تأکید داشت.

برای طراحی جلد کتاب باید نکات مجزا و بسیار مهمی را در نظر می‌گرفتم که این نکات در ترکیب‌بندی نهایی اثر باید به شکلی بی‌نقص، تأثیر زیادی بر مخاطب می‌گذاشت. از جمله نکات مهم در طراحی این اثر، زیبایی آن بود که وظیفه برقراری ارتباط بصری با مخاطب را بر عهده داشت. با ترکیب فرم‌های هندسی و ارگانیک، قصد داشتم یک طرح زیبا خلق کنم زیرا موضوع و محتوای کتاب با تمام اقشار جامعه در ارتباط بود. در آغاز، برای نشانه نوشته عنوان کتاب، فرم حروف را بررسی کردم (شکل شماره ۱).

اتوذهای مختلفی را بر روی کاغذ پیاده کردم اما به خواسته مطلوبم نرسیدم، تا آن که ایده اصلی را از همان مواردی الهام گرفتم که ناشر تمایلی در به کار بردن آنها در طرح نداشت. از این میان، نوار کاردیوگرافی نظرم را برای ادامه کار جلب کرد. از آنجا که همیشه در طراحی نشانه نوشته‌ها و تایپوگرافی‌هایم، خط سنتی فارسی محبوبم بوده و از آن بهره می‌گرفتم، این بار نیز برای دستیابی به یک لوگوتایپ مناسب، فرم حروف کلمه نبض را در خطوط سنتی جستجو کردم.

با توجه به نوار کاردیوگرافی، بهترین فرم نگارش در خطوط سنتی، خط شکسته بود. با دست آزاد کلمه نبض را طراحی کردم (شکل شماره ۲).



برای نخستین بار، دوست داشتم استفاده از ابزارهای طراحی دیجیتال مثل قلم نوری یا نگارش با ماوس را در طراحی این اثر، تجربه کنم. هر آغاز، اتود زدن را با قلم نوری تجربه کردم اما هیچ کدام از اتودها، آن چیزی نبود که می‌خواستم. بنابراین از ماوس استفاده کردم. نخستین اتود اجرایی که با آن زدم، نظرم را جلب کرد. در گام بعدی با توجه به اصول خوشنویسی و بررسی تناسبات و فضاهای مثبت و منفی برای رسیدن به یک اثر گرافیکی مقتدر، کار را به سرانجام رساندم (شکل شماره ۳).

هر ابتدای کار قصد داشتم با فرم‌های ارگانیک کار را آغاز کنم، اما در نهایت عنوان نشانه نوشته یک فرم ایرگولار بود که برای تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب، یک تضاد خلق کردم، بنابراین ترکیب فرم نشانه نوشته با یک فرم هندسی، مرا به کنتراست مطلوب و مورد نظرم رساند (شکل شماره ۴).

(شکل شماره ۲)

(شکل شماره ۳)



(شکل شماره ۴)

ایده تا اجرا در نشانه نوشتاری

سپیکو

اثر: محمد پارسا

سر کلاس طراحی حروف ۲، استاد ابتدای شروع ترم، چند لوگو پیشنهاد داد تا با سبک، دستخط و استایل بچه‌ها آشنا شود. سپیکو یکی از آن چند لوگوی پیشنهادی بود. این لوگوها در واقع لوگوتایپ بودند و باید به صورت نوشتاری طراحی می‌شد و کمتر از آیکن و المان‌های تصویری مرتبط استفاده می‌شد.

موضوع کار صنعتی بود، مانند همیشه دوست داشتم معنی و مفهوم کاری را که قرار است طراحی کنم بدانم! سپیکو تنها یک اسم بود. با وجود جستجوی بسیار نتوانستم چیزی درباره‌اش پیدا کنم و شروع به اتود زدن کردم، ابتدا طبق عادت چند بار کلمه مورد نظر را نوشتم! و بعد با استفاده از خطوط شکسته و سخت، منحنی و نرم طراحی کردم. این عمل را با استفاده از مداد، ماژیک، خودکار و سایر ابزارهایی که به همراه داشتم امتحان کردم. در همین حین به سپیکو و صنعتی بودنش هم فکر می‌کردم. تمرکز روی «س» بود که می‌توانست دنداندار باشد یا کشیده!

همیشه کلماتی که سرکش «ک» و «گ» دارند برای من چالش ایجاد می‌کند و گویی با این دو حرف سرسختی داریم! این بار هم مستثنی نبود، اما هماهنگی‌اش با سایر یونیت‌ها جالب بود. اگر حرف «س» را کشیده به کار می‌بردم با سرکش «ک» هماهنگ بود اما خیلی صنعتی نبود. در نتیجه خواستم که ماهیت دنداندار بودن حرف «س» را حفظ کنم تا موضوع صنعتی بودنش در اولین نگاه دیده شود. حرف «و» نیز به همین شکل، از حرکت دایره‌ای و هندسی برای گردی «و» استفاده کردم و باز خطوط سخت و هندسی با مفهوم صنعت بیشتر سازگار بود تا منحنی و خطوط نرم.

تصمیم گرفتم ادامه را در اتاق کارم دنبال کنم که هم از این شلوغی و همهمه کلاس فاصله بگیرم و تمرکز بیشتری داشته باشم و هم نگاهی به کار بچه‌ها انداخته باشم.

چرخ‌دنده صنعت، ذهن مرا رها نمی‌کرد و این جرقه‌ای بود برای به وجود آمدن ترکیبی ناب در کار من. چرخ‌دنده را با حرف «و» ترکیب کردم و حاصلش آن چیزی شد که ساعت‌ها فکرم را مشغول کرده بود. البته در اولین ترکیب، شکل کلی حروف با المان چرخ‌دنده هماهنگ نبود و برای رسیدن به این هماهنگی و فرمی که زیبا جلوه کند، باید کاری صورت می‌پذیرفت. پس گوشه‌های تیز و نوک‌دار حرف‌ها را برش دادم تا از نظر شکل ظاهری هماهنگی بیشتری با چرخ دنده داشته باشد. این تجربه موفق بود و حالا باید روی ضخامت‌ها کار

